

یک فعال صنفی:

بیمارستان‌های تامین اجتماعی کادر درمان ندارند

یک فعال کارگری در تشریح انتقاداتی که به نحوه ارائه خدمات درمانی به بیمه‌شدگان سازمان تامین اجتماعی در مراکز ملکی سازمان تامین اجتماعی وجود دارد، گفت: در حال حاضر وجود توزیع مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی در کل کشور ناموزون است. برای نمونه زمانی که به شهری در مرکز کشور می‌روید، می‌بینید که یک بیمارستان شیک ساخته‌اند اما این بیمارستان شیک، کادر درمان ندارد.

اکبر قربانی افزود: شهری را هم می‌بینید که با داشتن جمعیت بالا نیاز به یک مرکز درمانی قوی دارد اما چنین مرکزی در آن وجود ندارد. خب جمعیت کارگری این شهر برای دریافت خدمات از سازمانی که ۳۰ سال به آن حق بیمه پرداخته‌اند، چه باید بکنند؟ به تهران ببینند؟ مگر مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی تهران چقدر در ارائه خدمات به تهرانی‌ها موفق هستند که حالا بتوانند به شهرستانی‌ها خدمات بدهند.

دبیر کمیته بیمه و درمان اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با بیان اینکه بیمارستان‌های سازمان تامین اجتماعی با بیان اینکه این روند ناصواب موجب شده است که مراجعه‌کنندگان از ساعت ۵ صبح در صف نوبت دهی بیستند تا ساعت ۷ صبح که متصدی باجه سرکارش حاضر شود، گفت: تازه این پروسه مربوط به نوبت‌گیری است و پس از آن بیمار باید دو تا سه ساعت معطل شود تا وقت زمان ویزیت‌اش فرا برسد اما چه ویزیتی، ویزیت یک دقیقه‌ای. توجه داشته باشید که پزشکان بیمارستان‌های تامین اجتماعی تنها از ساعت ۹ تا ۱۲ سرکار می‌آیند و پس از آن تعطیل می‌کنند و به مطب شخصی خود می‌روند.

قربانی با بیان اینکه این امر موجب شده است که بیماران همواره از ارائه خدمات در مراکز ملکی ناراضی باشند، گفت: از آنجا که پزشک می‌خواهد به سراغ کار شخصی‌اش برود، نمی‌تواند که برای ۴۰ بیماری که قرار است ویزیت شود، وقتی بگذارد در نتیجه همه کارهایش را در دو ساعت انجام می‌دهد و بیمار را خیلی کوتاه ویزیت می‌کند که ابدا در حد تشخیص بیماری نیست. این در شرایطی است که با استاندارد به سیاست‌گذاری‌های درمان که مصوبه هیات وزیران است طول ویزیت پزشک نباید کمتر از ۲۰ دقیقه باشد. این عضو کارگروه‌های درمان دبیرخانه هیات‌امنی سازمان تامین اجتماعی با بیان اینکه پزشکان برای توجیه کم‌کاری خود در بخش درمان سرپایی، مراجعه‌کنندگان را برای تشخیص بهتر بیماری به بخش‌های پاراکلینکی ارجاع می‌دهند، گفت: اینگونه درمان و رسیدگی هزینه‌های فراوانی را در حوزه پاراکلینیکی روی دست سازمان تامین اجتماعی می‌گذارد. خب در این شرایط چگونه می‌خواهیم هزینه‌های درمان را کاهش دهیم؟ چگونه می‌خواهیم رضایت‌مندی بیماران را جلب کنیم؟ آیامی‌توانیم با ناپایده گرفتن بخش درمان سرپایی بیماری‌های مراجعه‌کنندگان را به خوبی تشخیص دهیم تا از گسترش آنها جلوگیری کنیم؟

وی افزود: به هر صورت اگر مدعی هستیم که بهترتیم باید در دوو سه شیفت به بیماران خدمات دهیم اینگونه کیفیت ویزیت‌ارتقا می‌یابد و کمتر پرداخت هزینه‌های پاراکلینیکی به بر دوش سازمان تامین اجتماعی می‌ماند. در ضمن اگر پزشک دقیق بیماری مراجعه‌کننده را تشخیص دهد داروی مناسب را برای او تجویز می‌کند و اگر هم نیاز نباشد دارویی تجویز نمی‌کند اما حالا انواع داروهای غیر مرتبط تجویز می‌شوند که اثرات جانبی آنها هزینه‌های سنگینی را بر دوش بیمار ونظام سلامت می‌گذارد.

دبیر کمیته بیمه و درمان اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با بیان اینکه بیمارستان میلاد به صورت سه شیفته خدمات ارائه می‌کند اما فیاض‌بخش و لیبافی نژاد اینگونه کار نمی‌کنند، گفت: شلوغی و ازدحام جمعیت در تمامی این مراکز به چشم می‌خورد اما چون یک مرکز سه شیفته کار می‌کند رضایت بیماران را بیشتر جلب می‌کند. به هر صورت زمانی که مافیای پزشکان حاکم باشد یک سری از آنها در یک قانون نانوشته صبح‌ها در بیمارستان کار می‌کنند و بعدازظهر‌ها به مطب می‌روند تا بیشترین درآمد و کمترین زحمت را داشته باشند، وی تصریح می‌کند: شما به عنوان مدیر درمان سازمان تامین اجتماعی می‌خواهید یک عده پزشک را به زود پولدار کنید؛ حتی به قیمت جان افراد. بارهایی ناموضوع راهشدار داده‌ایم اما نتیجه‌ای نگرفته‌ایم. این در شرایطی است که اگر یک برنامه خوب داشتیم می‌توانستیم بدون احداث در مانگاه‌های جدید و با افزایش تعداد شیفت تمام مشکلات مربوط به درمان سرپایی را برطرف کنیم.

کارشناس مدیریت بانکداری:

«مالیات تورمی» موجب تخریب زندگی کارگران شده است

ارزش اجاره نیروی کار کارگران هر روز به دلیل «مالیات تورمی» کمتر می‌شود. این مالیات تورمی باعث فقیر شدن جامعه مزد و حقوق‌بگیر می‌شود، به این سبب که ریشه آن تورم است و بخشی از درآمد آن فرد را تصاحب می‌کند

می‌گیرم، هر واحد پولی (پول پر قدرت) که از بانک مرکزی وارد اقتصاد می‌شود با همین ضریب افزایشدهی که شرح دادم، به نسبت نرخ ذخیره قانونی تولید نقدینگی می‌کند و حجم پول را اضافه می‌کند. همین کار را آقای احمدی‌نژاد هم در دوره خودش انجام داد منتها با روش دیگر. البته انضباط مالی در دولت یازدهم بیشتر بود و توانست تا حدودی تورم را کنترل کند اما اواخر دولت یازدهم و به دنبال آن دولت دوازدهم متأسفانه مباحثی که پیگیری می‌کردند را رها کردند آمدند؛ یعنی آمدند و از این ابراز خطر نساک (استقراض از بانک مرکزی) که جمع کردن آن کار راحتی نیست، استفاده کردند که در نتیجه تولید نقدینگی اتفاق افتاد و این نقدینگی حالا به گردش افتاده که دیگر نمی‌توانید آن را به راحتی کنترل کنید؛ مثل حیوان وحشی که وقتی رها می‌شود همه چیز را نابود می‌کند.

■ **آقای احمدی نژاد از طریق مسکن مهر این کار را انجام داد و آن تورم‌افسار گسیخته را رقم زد.**

بله، حجم عظیم نقدینگی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم و نهم و دهم به واسطه دلایلی چون مسکن مهر و بحران موسسات اعتباری رقم خورد. لذا متغیرهای هر دو طرف معادله که شرح دادم رشد کرده‌اند و تخریب نظام اقتصادی کشور با سرعت بیشتری رقم خورده است. به بیان دیگر هم سرعت گردش پول و هم حجم نقدینگی زیاد شده است. از آن طرف حجم کالا و خدمات ثابت مانده است؛ چرا که سطح تولید ما تغییری نکرده است.

■ **در این شرایط دولت و کارفرمایان با واقعی شدن مزد یا همان افزایش قدرت خرید مزد مخالفت می‌کنند امری که مزدبگیران را بی‌پناه کرده است؛ انگار که از آنها خواسته باشند به همین شرایط عادت کنند و دم بر نیاورند.**

به هر روی ارزش اجاره نیروی کار کارگران هر روز کمتر می‌شود. حالا این کاهش کجا می‌رود؟ چه فرایندی رخ می‌دهد؟ پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند توضیح اصطلاحی است که به آن می‌گوییم: مالیات تورمی یا Tax Inflation حالا چرا مالیات تورمی؟ به این سبب که ریشه تورمی؟ این سبب که ریشه مالیات؟ چون بخشی از درآمد آن فرد را می‌گیرد.

با بیان دیگر مالیات تورمی تورمی که است مالیات در آن از گروه‌های فقیر گرفته می‌شود و به گروه‌های صاحب سرمایه منتقل می‌شود. به بیان دیگر مرتب از اینها می‌گیرند و به آنها می‌دهند. این مالیات تورمی باعث فقیر شدن جامعه مزد و حقوق‌بگیر می‌شود.

سوءمدیریت بوده است؛ به این معنی که تسهیلات کم‌بهره داده‌اند. حالا هر کاری که کردند با یک عده طلبکار مواجه هستند که انتظار دارند اصل و فرع پول خود را باهم بگیرند. اتفاقی که افتاد این بود که اصول بانکداری و نظارت بانک مرکزی برای اینها رعایت نشد. زمانی که از سوی بانک مرکزی نظارت مستمر وجود داشته باشد، مرتباً صورت‌های مالی موسسات و سرفصل حساب‌هایشان چک می‌شوند.

موسسات مالی و اعتباری بی‌پروا به نظام بانکداری وارد شدند و پول مردم را به کسانی دادند که ضمانت، صلاحیت، وثایق کافی و... نداشتند و به کسانی که ارتباطات اقتصادی داشتند (رانتخواران) یا آنها که از بانیان تاسیس این موسسات بودند. به هر دلیل نتوانستند که پول مردم را بگردانند. دولت هم ساده‌ترین شکل داستان را عمل کرد که سکوت و رضایت مردم را جلب کند. دولت متولی پرداخت این پول شد؛ پولی که وجود ندارد یا حداقل در آن لحظه وجود ندارد. به صورت کلی شاخص‌هایی در بانکداری وجود دارد که بانکداران نباید از آنها عبور کنند. به محض دور زدن قوانین ناظر بانک مرکزی به آنها اخطار و آنها را جریمه می‌کند. جرایم بانک مرکزی به اندازه‌ای سنگین هستند که بانکداران ناچار به اطاعت هستند از همین رو به خود اجازه خروج از نظام انضباطی تعریف شده را نمی‌دهند. اما مشکل اینجاست که عموم این موسسات زیر نظر بانک مرکزی نبودند یا اینکه اگر بودند کنترل و نظارت بانک مرکزی روی آنها وجود نداشت.

■ **کاهش ارزش پول ملی هم که تبعات دامنه‌داری دارد. سخن از کاهش ۴۰۰ تا ۵۰۰ درصدی ارزش پول ملی در مقابل دلار در ماه‌های گذشته است؛ امری بی‌سابقه و معنادار است. با این حال حاکمیت از طریق رسانه‌های و اشتغال بیشتر و القا می‌کند که پول ملی همچنان قدرت خریدش را حفظ کرده است و این نوسانات موقت است. تبعات آن را کمی بیشتر شرح دهید.**

اگر ارزش پول ملی یک کشور کاهش یابد، با پول‌های بیگانه (دلار، یورو و...) آن را غارت می‌کنند. معنی کاهش ارزش پول ملی این است که شما کالای خود را به خارجی‌ها مفت و ارزان می‌فروشید؛ حالا این کالا می‌تواند هر کالایی باشد؛ خوراکی یا غیر خورکی. همچنین این کالا می‌تواند دارایی‌های ملکی، مواد اولیه و نیروی کار باشد. در حقیقت شما حراج اموال می‌کنید که تبعات آن مشخص است. البته بعضی مواقع بانک مرکزی کشورها به منظور اینکه تراز تجارت بازرگانشان به سمت صادرات بیشتر، اشتغال بیشتر و سرمایه‌گذاری بیشتر برود می‌آیند و ارزش پول ملی را به اندازه افسیلونی که بتواند اثر بخشی داشته باشد، کاهش می‌دهد اما هیچ جای دنیا نیامدند اینگونه نابسامانی به وجود آوردند.

مایلم که به بحث موسسات مالی و اعتباری برگردم آنها آمدند و از سریع‌ترین راه ممکن استفاده کردند. به بانک مرکزی گفتند: تو به من پول بده و من از تو قرض



کارگران در حال ساختن یک ساختمان

دولت برای اینکه طلب‌های مردم را پرداخت کند از ساده‌ترین ابزار یعنی بانک مرکزی استفاده می‌کند. در حالی که رسالت اصلی بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی است نه کارهایی که در نهایت به افت ارزش پول ملی می‌انجامد

نزد بانک مرکزی به عنوان سپرده قانونی حفظ می‌شود و این پول وارد جریان بانکی می‌شود و به واسطه اینکه بانک خاصیت خاصی درون خود دارد که کمی پیچیده است و یک واحد پول قابلیت دارد که در یک لحظه و یک آن با نرخ ذخیره قانونی پول تولید کند؛ یعنی یک واحد تقسیم بر ۲۰ درصد مساوی می‌شود با پنج. یعنی یک واحد پول که وارد جریان بانکی می‌شود، ۵ واحد پول تولید می‌کند که این پول وارد آن معادله‌ای می‌شود که شرح دادم و در واقع این طرف معادله را برهم می‌ریزد و عدد آن را بزرگ می‌کند. اگر سرعت پول ثابت باشد و گردش نداشته باشد آنطرف معادله قیمت کالا و خدمات افزایش می‌یابد که معنای آن تورم است.

■ **احتمالا تاکید شما بر استقراض بانکی به اقدامات تنش‌زای موسسات مالی و اعتباری برمی‌گردد (پرداخت سودهای غیرمتعارف به سپرده‌ها)؛ چرا که پس از اینکه تعدادی از این موسسات به بانک مرکزی اعلام ورشکستگی کردند و از آن تقاضای کمک کردند، دولت به منظور کاهش تنش‌های اجتماعی برای پرداخت مطالبات سپرده‌گذاران ورود کرد و دست به دامان آن شد. امری که موجب خلق پول بیشتر، افزایش نقدینگی و بالا رفتن تقاضا برای خرید دلار شد.**

بله، موسسات مالی و اعتباری چه کردند؟ آمدند و پول مردم را گرفتند و در جاهایی رسوب دادند؛ به بیان دیگر پولی که باید به اقتصاد برمی‌گشت، در جایی ماند. من مطلقاً نمی‌گویم که این پول را به جیب خود ریختند شاید هم ریخته‌اند و شاید هم

جمع شبه پول و پول (Money ۱ و Money ۲) به نقدینگی تبدیل می‌شود. در ضمن باید توضیح دهم که تورم چگونه اتفاق می‌افتد؟ پول چگونه تخریب می‌کنند؟ چگونه سازندگی ایجاد می‌کند؟ وقتی حرکت می‌کند چه بلایی بر سر اقتصاد می‌آورد؟ دولت برای اینکه طلب‌های مردم را پرداخت کند از ساده‌ترین ابزار یعنی بانک مرکزی استفاده می‌کند. در دنیا بانک‌های مرکزی معمولاً به همین راحتی زیر بار سیاست‌های تکلیفی و تعیینی نمی‌روند چون رسالت اصلی آنها حفظ ارزش پول ملی است نه این کارها که در نهایت به افت ارزش پول ملی می‌انجامد.

به این منظور به فرمولی اشاره می‌کنم که در اقتصاد بسیار پر کاربرد است. این فرمول به رابطه مقداری پول از دیدگاه «جان استوارت میل» معروف است. استوارت میل کسی بود که بعد از ریکاردو اصول اقتصاد سیاسی را متحول کرد. فرمول اینگونه است: MV=PT در اینجا M حجم پول، ۷ سرعت پول، P قیمت، T حجم کالا و خدمات. به زبان ساده‌تر یعنی: حجم پول ضرب در سرعت پول مساوی است با حجم کالا و خدمات ضرب در قیمت.

اگر دو طرف این معادله همواره یکسان باشند، قیمت‌ها ثابت می‌مانند و تعادل باقی می‌ماند اما ممکن است که این تعادل برهم بخورد چرا که هر گونه افزایش در پرداخت (نقدینگی) علی‌القاعده موجب افزایش نسبی سطح قیمت‌ها می‌شود. به هر صورت تورم به همین شکل افزایش می‌یابد.

باید اضافه‌کنم که به صورت کلی در اقتصاد ایران یکی از مولفه‌های تأثیرگذار در ایجاد تورم، نقدینگی است. حالا نقدینگی ممکن است که به هر شکلی اضافه شود. ممکن است که به خاطر استقراض از

بانک مرکزی ایجاد شود؛ یعنی همان یعنی همان پول پر قدرت که در نهایت وارد چرخه جریان بانکی می‌شود و با ضریب فزاینده تبدیل به نقدینگی شود.

باید در نظر داشته باشیم هر واحد جدیدی که وارد جریان پول می‌شود زمانی که وارد سیستم بانکی می‌شود یک نرخ ذخیره

ارزش ریسال دارد؟ کاهش ارز پول ملی چه آثاری بر معیشت مردم می‌گذارد؟ دولت چه برنامه‌ای برای خنثی‌سازی بمب‌هایی دارد که در چمدان اقتصادی کار گذاشته شده است؟ این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگر را با «علیرضا حیدری» فعال کارگری و کارشناس مدیریت بانکداری در میان گذاشتیم. او در صحبت‌های خود به نظریه مقداری پول Quantity theory of money استناد می‌کند. این فرمول می‌گوید که حجم پول باید برابر با تولید ناخالص داخلی باشد در غیر این صورت نقدینگی بالا می‌رود و به قول حیدری مانع حیوانی سرکش همه چیز را نابود می‌کند.

■ ■ ■

■ **گرانی‌های ماه‌های اخیر پرسش‌های فراوانی را در اذهان ایجاد کرد. مردم می‌پرسند در عرض ۶ ماه چه اتفاقی در کشور افتاد که تا این اندازه قدرت خرید خود را از دست داده‌اند؟ آنها مرتباً می‌شنوند که اوضاع تحت کنترل است و کالاهای اساسی در فروشگاه‌ها یافت می‌شوند و گرانی بیهوده است. رئیس دولت هم بارها گفته مردم نگران قیمت ارز و تهیه اقلام مصرفی خود نباشند. با این حال نوسانات اقتصادی آنقدر مایه‌ازای خارجی داشته، دارد و خواهد داشت که عده‌ای را به فکر احتکار انداخته است. تعدادی زیادی از مردم را هم به فکر تبدیل ریال‌هایشان به دلار انداخته که این امر حجم نقدینگی را پی در پی افزایش می‌دهد و متعاقب آن نرخ تورم را. شما چه ارزیابی از نوسانات اقتصادی ماه‌های اخیر و تأثیرات آن بر قدرت خرید مردم دارید؟**

لاجرم باید توضیحاتی در مورد مفاهیمی که در ادامه گفتگو بارها و بارها نام می‌برم، ارائه کنم. نقدینگی مجموعه‌ای از پول و شبه پول است. وقتی از پول صحبت می‌کنیم منظور اسکناس و مسکوک است. وقتی از شبه پول صحبت می‌کنیم منظور تمام اقسام دارایی‌هایی است که قابلیت نقد شدن به پول را دارند؛ مثل چک‌های تضمینی، چک‌های تراول، حساب‌های پس‌انداز کوتاه مدت و بلندمدت و البته قرض الحسنه، به صورت کلی

پیام عابدی

این روزها خبرهای مختلفی از اوضاع نابسامان اقتصادی کشور می‌شنویم که ما را با خود به دورانی می‌برد که کشور درگیر جنگ بود و به خاطر هزینه‌های آن در تامین مایحتاج مردم وامانده بود؛ هر چند دولت با اجرای سیاست‌های توزیعی از دامنه‌دار شدن اعتراضات جلوگیری می‌کرد. البته با وجود مصیبت‌های فراوان هنوز اعتماد مردم به دولت تا این اندازه خدشه‌دار نشده بود لذا مردم با دولت همراهی می‌کردند اما حالا نه از آن سیاست‌های توزیعی خبر است و نه از آن اعتماد.

این شرایط موجب شده که مردم در شرایط تحریم که دست کمی از جنگ ندارد خود را در برابر بالارفتن شاخص‌های اقتصادی بی‌دفاع ببینند. شاخص‌هایی همچون تورم نقطه به نقطه که شهرپور ماه سال گذشته ۲۴ درصد و شهرپور ماه امسال به ۳۱.۴ درصد رسیده است. نرخ تورم ماهیانه هم از ۵.۵ درصد در مرداد ماه به ۶.۱ درصد در شهریور ماه رسید و جهشی قابل توجه داشت. این حجم از تورم را که کارشناسان اقتصادی آن را «جهش یافته» و «دامنه‌دار» توصیف می‌کنند باید در پیوند با افزایش حجم نقدینگی کشور به ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان دید. البته نقدینگی تنها علت نوسانات تورمی نیست اما یکی از مهم‌ترین علل آن است. در نظر داشته باشید که یک سوم از این ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان در اختیار موسسات مالی و اعتباری است آنها با جمع‌آوری نقدینگی و پرداخت سودهای بالا به سپرده‌گذاران به یک آبرچالش در سپهر اقتصادی ایران تبدیل شده‌اند؛ چرا که اولاً از جیب مردم ساماندهی شده‌اند و ثانیاً پشت ۵۰۰ هزار میلیارد تومان از سپرده‌هایشان هیچ پشتوانه‌ای نیست؛ یعنی اگر همین امشب اعلام ورشکستگی کنند و بگویند که توان پرداخت سود به این حجم عظیم از سپرده‌ها را ندارند، شهرهای کشور به سبب هجوم سپرده‌گذاران برای دریافت اصل سپرده‌ها با هرج و مرجی آخرالزمانی مواجه می‌شوند.

اما این موضوع چه ارتباطی با افزایش حجم نقدینگی، گرانی ارز، بالا رفتن تورم و کاهش